

حدیث لوح حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (باب 28) از محدث جلیل القدر «ابو جعفر محمد بن علی بن حسن بن بابویه قمی» مشهور به شیخ صدوق (م. 381 هـ) روایاتی درباره لوح حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمده است که در آن لوح به نام و تعداد امامان (علیهم السّلام) اشاره شده است. (1) در این مقاله سه حدیث را یادآور می شویم و سپس به توضیح حدیث لوح می پردازیم.

حدیث اوّل

در روایت اوّل بر اساس نقل ابو بصیر چنین گزارش شده است:

«امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم محمد بن علی الباقر (علیه السلام) روزی به جابر بن عبدالله انصاری گفت: جابر! سخنی با تو داشتم چه موقع فارغ بال می شوی تا درباره موضوعی با تو سخن گویم؟ جابر به حضرت عرض کرد: هر وقت شما اراده کنید.»

فرصتی پیش آمد و امام با جابر خلوت نمود و به گفتگو پرداختند. در این گفتگو امام از جابر خواست تا آنچه را که در جریان مشاهده لوحی که در دست جده اش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دیده بود برای او بازگو کند و او را از آنچه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از مطالب مکتوب در لوح به او خبر داده، آگاه کند. جابر پاسخ داد: «شهادت می دهم که روزی در ایام حیات رسول الله (صلی الله علیه واله) مادرت فاطمه (سلام

الله (علیها) را ملاقت کردم تا ولادت حسین {بن علی علیه السلام} را به او تبریک بگویم که در دستان آن بانوی بزرگ، لوح سبزینه را دیدم که گمان کردم زمرد است؛ در آن لوح، کتاب سفیدی را که به درخشندگی خورشید بود مشاهده کردم. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد! این لوح چیست {و از کجا آمده است}؟ فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: «این لوحی است که خداوند - عزوجل - آن را به رسولش محمد مصطفی (صلی الله علیه و اله) اهدا نمود. در این لوح نام پدر و همسر و فرزندانم {حسن و حسین علیه السلام} و نام اوصیا و امامانی که از نسل فرزندم {حسن علیه السلام} هستند ذکر شده است. پدرم رسول الله (صلی الله علیه و اله) آن را به من بخشیده است تا با نگاه کردن در آن دلم شاد شود.»

جابر آنگاه اضافه نمود: «سپس مادرت فاطمه (سلام الله علیها) آن لوح را در اختیار من قرار داد سپس آنچه در لوح نوشته شده بود خواندم و نسخه ای از آن را در ذهن نگاه داشتم {یا از روی آن نوشتم}.» امام صادق (علیه السلام) در ادامه روایت می فرماید:

«آنگاه پدرم به جابر فرمود: جابر! آیا آن نسخه هنوز هم در دست توست؟ آیا آن را بر من عرضه می کنی؟ جابر بن عبدالله گفت: آری. آنگاه پدرم با جابر همراه شد تا به منزل جابر رسیدند. جابر صحیفه ای از پوست نازک آورد، آن را گشود و به رؤیت پدرم رسانید. پدرم به جابر فرمود: جابر! حال به صحیفه ای که در نزد توست بنگر تا برای تو از حفظ بخوانم. جابر به نسخه ای که در دستش بود، نگریست پدرم تمام مطالب صحیفه را از حفظ برای جابر خواند. سوگند به خدا حرفی از کلام امام با حرفی از صحیفه ای که در دست جابر بود مخالف نبود. پس از آنکه قرائت امام به پایان رسید جابر گفت: خدای بزرگ را شاهد می گیرم که آنچه در صحیفه نزد فاطمه (سلام الله علیها) دیدم همین بود که شما خواندید، اما متن این لوح طبق نقل چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از سوی خداوند شکست ناپذیر و حکیم به محمد {صلی الله علیه و اله} نور و فرستاده خدا و حجاب، دلیل و آیت او در زمین. این نوشته توسط جبرئیل امین از جانب رب العالمین آورده شد. ای محمد {صلی الله علیه و اله} اسماء الهی را بزرگ شمار، نعمت هایم را شکرگزار باش، هرگز نشانه هایم را انکار نکن. من پروردگار و معبود جهانیانم و جز من خدایی نیست؛ درهم کوبنده جباران و خوار کننده ستمگران و حسابرس روز جزایم. من همان الله و معبود شمایم که جز من الله و معبودی نیست. هر که به فضل کسی جز من امیدوار باشد یا از چیزی جز عدل الهی خوف داشته باشد، او را به عذابی سخت گرفتار خواهم ساخت که احدی از جهانیان آن را نچشیده است. سپس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. من هیچ رسولی را مبعوث نکردم و رسالت او را تکمیل ننمودم و دوران تبلیغ و رسالت او را به پایان نرساندم مگر اینکه برای او وصی یی قرار دادم.

{ای محمد صلی الله علیه و آله} تو را بر تمام پیامبران برتری بخشیدم؛ وصی تو را نیز بر تمام اوصیا برتری دادم. سپس از وصی و جانشینت، تو را به وجود دو فرزند دلاور، حسن و حسین گرامی داشتم. بعد از پایان دوره {حیات و امامت} پدرش {علی علیه السلام} حسن را معدن علم خود و حسین را نگهبان و حافظ وحی خود قرار دادم؛ نعمت شهادت را به حسین بخشیدم و او را بدین سبب گرامی داشتم و برای او سعادت خواستم. حسین با فضیلت ترین کسی است که شهید گشت و در بین شهیدان بالاترین درجه و مقام را داراست؛ امامت و توحید تمام و کمال را با او همراه کردم، حجت بالغه خود را نزد او قرار دادم؛ بر اساس {رضایت و غضب} اهل بیت و

عترت او پاداش می دهم و طالحان و بدکاران را به سزای اعمال خویش می رسانم.

اولین فرزند و عترت حسین {علیه السلام}، {علی} سرور پرستندگان و زینت دوستان من است.

پس از او فرزندش که شبیه و همنام جدش است محمد، شکافنده علم الهی و معدن حکمت اوست. به زودی تردید کنندگان {در حقانیت} جعفر بن محمد هلاک خواهند شد؛ هرکس به او {و مکتب او} باز گردد، گویی به من {و دین من} باز گشته است.

سخن حق از من است: سوگند می خورم که منزلت دانش جعفر بن محمد {و هر آن که بر او ایمان آورد} را گرامی بدارم؛ محبت و عشق به او را در دل دوستان، شیعیان، پیروان و یارانش قرار خواهم داد، سپس فتنه کور و سیاه گمنامی و تقیه را از برابر امام موسی {علیه السلام} کنار خواهم زد؛ چرا که سیر فرمان و اطاعت الهی هرگز منقطع نخواهد شد و حجت و دلیل من از دید مردم پنهان نخواهد ماند و دوستانم هرگز تیره بخت نخواهند گردید. {ای محمد به خلق بگو} اگر کسی یکی از حُجج مرا انکار کند، نعمتی را که داده ام انکار نموده است و هر که آیه ای از کتابم را تغییر دهد بر من تهمت بسته است. وای بر افترا زندگانِ انکارگر، آن زمان که دوران امامت بنده و دوست و برگزیده ام موسی {بن جعفر {علیه السلام}} به پایان رسد.

آگاه باشید! هر که هشتمین حجت مرا دروغ شمارد، گویی همه اولیای مرا انکار نموده است. علی {بن موسی علیه السلام} دوست و یاور من {و رهبر شما} است و من ثقل علم و عصمت و صفات نبوت را در او قرار می دهم؛ توان او را در پاسداری از آن می آزمایم؛ عفریت ستمگر و متکبر او را می کشد و در شهری که عبد صالح ذوالقرنین ساخت دفن می شود.

سخن حق آن است که من بگویم: دیدگان موسی را با تولد فرزندش محمد و خلیفه و جانشین پس از او روشنی بخشیم. محمد {بن علی بن موسی الرضا علیه السلام} وارث علم و دانش من و معدن حکمت و جایگاه راز من و حجت من بر بندگانم است. بهشت را جایگاه او قرار دادم و او را شفیع هفتاد نفر از افراد خانواده {منسوبان او} که جهنم بر آنان واجب شد قرار دادم {پس از او} فرزندش علی {بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام} دوست و یاورم را سعادتمند کردم؛ او امانت دار وحی من خواهد بود؛ از صُلب او، حسن {بن علی بن محمد} را بر خواهم آورد که دعوت کننده مردم به راه خدا و نگاهبان علم الهی است. آنگاه {پس از او} حجت خویش را با آمدن فرزندش {قائم آل محمد علیه السلام} که رحمت واسعه برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. قدرت و کمال موسوی، عظمت و نور عیسوی و صبر ایوب همه را در او می بینید؛ او در زمانی خواهد آمد که دوستان من خوار شده و چون مغولان و دیلمیان مشرک، سرافکنده گشته و به آتش کشیده می شوند، سرهای آنان به عنوان هدیه به اطراف و اکناف فرستاده می شود و ترسان و لرزان می شوند، زمین از خون آنان رنگین می شود و هلاکت و فریاد و شیون در بین زنانشان همه گیر می شود.

آنان به حقیقت حجت و اولیای من در زمین خواهند بود. به واسطه اینان هر فتنه کور و سیاه را از خلق دور خواهم ساخت و با آنها حرکت های ظریف و پنهان {معاندان دین الهی} کشف می شود و قید و بندها و زنجیرهای بندگی از دوش خلق برداشته می شود. صلوات و رحمت خداوند بر آنان باد! اینان همان هدایت یافتگانند.»

حدیث دوم

در روایت دوم بخشی از مضمون حدیث اوّل توسط امام باقر (علیه السلام) برای جابر جعفری نقل شده که آن امام همام به نقل از جابر بن عبدالله انصاری چنین می فرماید:

«جابر بن عبدالله انصاری گفت: روزی به منزل مولایم فاطمه (سلام الله علیها) وارد شدم پیش او لوحی دیدم که از شدت روشنایی آن، چشم خیره می شد. در آن لوح نام دوازده نفر به چشم می خورد. سه اسم روی لوح، سه اسم داخل لوح، سه اسم در پایان لوح و نام سه نفر دیگر در کنار لوح بود.

به آن حضرت عرض کردم: «اینان نام چه کسانی است؟» آن حضرت فرمود: «اینها نام های اوصیا {پیامبر صلی الله علیه و اله} است. اوّلین آن نام پسر عمویم و یازده نفر دیگر نام فرزندانم است که آخرین آنان قائم {آل محمد علیهم السلام} است.» آنگاه جابر اضافه کرد که در آن لوح نگریرستم در سه جای آن نام محمد، محمد، محمد را دیدم و در چهار جای دیگر آن نوشته شده بود: علی، علی، علی، علی.

حدیث سوم

شیخ صدوق به نقل از اسحاق بن عمار حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که:

«امام خطاب به وی فرمود: اسحاق، آیا میل داری تو را بشارتی دهم؟» اسحاق گفت: «جانم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا، آری، دوست دارم خبر را بشنوم.»

حضرت فرمود: «نزد ما صحیفه ای است که با املای رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و خط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نوشته شده است. در آن صحیفه چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحیم، هذا کتاب من الله العزیز الحکیم،...

آنگاه حدیث را تا پایان طبق شرحی که در حدیث اوّل آمد، ذکر نمود.»

توضیح حدیث:

1 - حدیث لوح از معروفترین احادیث شیعه است که محدثان با استناد به آن مطالب قابل توجهی را اثبات نموده اند از جمله:

الف - شیعه در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و اله) به نگارش و تدوین حدیث اهتمام ورزید، نخستین کتاب حدیث که در تاریخ حدیث شیعه شکل گرفت بنا به اظهار برخی محدثان، حدیث لوح فاطمه (سلام الله علیها) و پس از آن مصحف فاطمه (سلام الله علیها) و پس از آن صحیفه الجامعة علی (علیه السلام) است. این در حالی

است که اهل تسنن به دلایلی از جمله نشر احادیث بی پایه ای مبنی بر ممنوعیت کتابت حدیث در زمان پیامبر (صلی الله علیه واله) در قرن اول هجری، از نگارش حدیث خودداری نمودند و با روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز (98 - 101 هـ) اجازه کتابت و تدوین حدیث به آنان داده شد.

از صحیفه جامعه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، کتاب علی (علیه السلام)، صحیفه فاطمه (سلام الله علیها) و حدیث لوح که از نخستین آثار منظوم و مکتوب حدیث در تاریخ اسلام است، در منابع مهم حدیثی شیعه و اهل سنت نام برده شده است:

- بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البیت، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار (م 290 هـ)، تصحیح، میرزا محسن کوچه باغی، {بی جا}، ص 135 - 170؛ فضائل اهل البیت المسمی بـ بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تصحیح: کوچه باغی، بیروت، مؤسسة النعمان، ص 138 - 170،
- کتب اربعه: (2) الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م 329 هـ)،

من لایحضره الفقیه، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق - (م 381 هـ)،
تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م 460 هـ)،
الاستبصار فیها اختلف من الاخبار، شیخ طوسی.

- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (م 450 هـ)، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات اسلامی، ص 360.

- منابع حدیثی اهل سنت: (3)

مسند احمد بن حنبل (م 241 هـ)،

صحیح بخاری (م 256 هـ)،

سنن ابن ماجه (م 275 هـ)،

سنن ابی داود (م 275 هـ)،

سنن نسایی (م 303 هـ).

در اصول کافی (4) روایتی است که گزارش می دهد، اصحاب امام صادق (علیه السلام) از آن حضرت درباره مصحف فاطمه (سلام الله علیها) سؤال می کنند و امام وجود آن را تایید می کند و درباره آن سخن می گوید.
ب . راوی حدیث لوح، جابر بن عبدالله انصاری است که پس از رؤیت حدیث در نزد فاطمه (سلام الله علیها) از روی آن نسخه ای نوشت و همانطور که قبلاً بیان شد برای امام باقر (علیه السلام) نقل نمود. (5)

2 - درباره نابینا بودن جابر بن عبدالله و چگونگی رؤیت حدیث لوح و استنساخ آن، مصحح کتاب کمال الدین و تمام النعمه جناب استاد علی اکبر غفاری توضیحی به شرح زیر دارد:
باید اظهار داشت جابر پس از زیارت اربعین در مدینه به ملاقات امام محمد باقر (علیه السلام) رسید. گفته شده است جابر هنگام زیارت اربعین نابینا بوده چگونه امکان داشت حدیث لوح و صحیفه فاطمه (سلام الله علیها) را ببیند.

در این باره دو پاسخ مطرح می شود:

یک . جریان رسیدن جابر به مزار امام حسین (علیه السلام) و سراسیمه شدن او و افتادن او بر قبر حسین بن علی (علیه السلام) که عطیه ، یار و همراه دانشمند جابر تعریف نموده، هیچ گونه دلالتی بر نابینایی جابر نمی کند بلکه دلالت بر آن دارد که جابر بر اثر حزن و اندوه که در شهادت امام حسین (علیه السلام) بر او عارض شده و

گریه های فراوانی که بر این مصیبت نمود - خصوصاً هنگام تلاش و جستجو به دنبال کشف مزار حسین(علیه السلام) - چشمان او اشک آلود و تار شده، به گونه ای که اطراف خود را دقیق نمی دید.

دو . اگر خبر نابینا بودن جابر صحت داشته باشد، نابینایی در اواخر عمر او اتفاق افتاد و هنگام تشرف به حضور صدیقه طاهره فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) بینا بوده است و صحیفه را دیده و از حضرت درباره مطالب آن سؤال نموده و آن را نوشته است.

3 - جابر در سن نود و چهار سالگی بین سالهای 74 تا 78 هجری در مدینه وفات یافت.

ابن قتیبه فوت او را در سال 78، ابن سعد فوت جابر را به سال 73 و ابن عبدالبر به سال 74 و به روایت دیگر سال 77 گزارش نموده است. در هر حال فوت جابر قبل از وفات امام محمد باقر(علیه السلام) بوده است. ولادت امام صادق (علیه السلام) سال 83 هجری و وفات امام باقر(علیه السلام) سال 114 هجری بوده است. جابر از آخرین اصحاب پیامبر(صلی الله علیه واله) بود که عمر طولانی یافت و با علم غالب می توان وفات او را پس از فوت دیگر اصحاب پیامبر(صلی الله علیه واله) دانست.

4 - در ظاهر چنین به نظر می رسد که امام باقر (علیه السلام) تا قبل از ملاقات جابر و استماع حدیث لوح از جابر، از وجود این حدیث بی اطلاع بوده، اما همان طور که در پایان حدیث تصریح دارد، امام به جابر فرمود: یا جابر انظر انت فی کتابک لاقراء انا علیک، فنظر جابر فی نسخه فقرأ علیه ابی (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین) فوالله ما خالف حرف حرفاً.

نکته دیگر آنکه صحیفه فاطمه (سلام الله علیها) و صحیفه جامعه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان میراث امامت پس از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اختیار امام حسن (علیه السلام) و سپس در اختیار امام حسین (علیه السلام) و آنگاه دست بدست در اختیار ائمه بعد قرار گرفت و در موارد ضروری، ائمه هنگام نقل حکم خاصی آن را می گشودند و جواب پرسشهای اصحاب خود را می دادند. گفته شده است که طول صحیفه جامعه هفتاد ذراع (سی و سه متر) و ضخامت آن در هنگام بسته بودن و پیچیده بودن باندازه ضخامت ران شتر دو کوهانه بوده است. (6)

قطعاً امام باقر (علیه السلام) از حدیث لوح اطلاع داشته و علاوه برآن حضرت، جابر نیز افتخار استماع و نقل حدیث لوح را به دست آورد و قطعاً به عنوان دلیلی روشن در تأیید امامت ائمه اطهار(علیه السلام) مسلمانان آن دوره را از مضمون آن آگاه ساخته است.

5 - مهمترین موضوعاتی که حدیث لوح، به آن دلالت دارد عبارت است از:

1 . تنصیب به امامت ائمه اثنی عشر(علیه السلام) .

2 . پیش بینی برخی حوادث که همزمان با حیات ائمه اتفاق خواهد افتاد. از جمله علم امام، چگونگی شهادت امام، محل شهادت امام و نوع برخوردهای مخالفان و معاندان با امام.

3 . توصیف خصوصیات ظاهری و معنوی امام مهدی(علیه السلام) و بیان وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ظهور و نیز وقایع و اصلاحات اجتماعی که پس از ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد.

4 . تمام امامان روح واحدی هستند در کالدهای مختلف. اهداف آنان منطبق بر یکدیگر و عالی ترین مقصد آنان سعادت بشر از طریق پرستش صحیح خدای واحد و بکار بستن عقل و درایت به منظور بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به کمال است، هرچند روش های عملی آنان به دلیل تنوع و تفاوت شرایط و مقتضیات زمان و مکان متفاوت بوده باشد. لذا راه سعادت در پذیرش امامت هر دوازده امام معصوم است. توقف بر یکی از ائمه به

معنای انکار و نادیده گرفتن بقیه ائمه خواهد بود و حتی انکار امام متوقف علیه رانیز بدنبال خواهد داشت. در حدیث لوح می فرماید: «إِنَّ الْمَكْذَبَ بِالثَّامِنِ مَكْذَبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَائِي.»

5 . اکمال سلسله جلیله امامت به وجود حضرت حجت (علیه السلام) است و لذا فرموده است:

«أَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِنِّهِ م ح م د رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ ...»

کمال هر چیزی رسیدن به مرحله ای از رشد و تعالی است که در آن غرض اصلی آن موجود تحقق یابد، مثلاً این آیه شریفه که: «عذاب کامل بدکاران در روز رستاخیز داده می شود» (7)، این نکته را خاطر نشان می سازد که کمال عقوبت در قیامت است، همان طور که کمال پاداش صالحان در قیامت است.

براساس توضیح فوق، تحقق اهداف اصلی امامت تام ائمه در امامت حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد بود؛ همان طور که امامت حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) اکمال رسالت رسول الله (صلی الله علیه واله) است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...»؛ (8) چنانکه می دانیم مفسران و مورخان بسیاری از عامه و خاصه نزول آیه فوق را در واقعه حجة الوداع و معرفی امام علی (علیه السلام) به عنوان وصی و خلیفه پیامبر و امام مسلمانان می دانند.

امامت حضرت مهدی (علیه السلام) چه در غیبت صغرا و چه در غیبت کبرا، تکمیل کننده و به ثمر رساننده امامت یازده امام پیشین (علیه السلام) است.

6 . امامت حضرت مهدی (علیه السلام) فقط مخصوص مسلمانان یا شیعیان نیست بلکه امامت آن حضرت رحمت گسترده ای است که همه مردم را فرا می گیرد. در حدیث لوح از وجود آن حضرت به رحمه للعالمین تعبیر شده است و در سایه حکومت و امامت ایشان همه مستضعفان به حقوق خود می رسند ؛ حق همه افراد از غاصبان ستانده و به ایشان بازگردانده می شود: الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ.

7 . حدیث لوح را علاوه بر شیخ صدوق، شیخ کلینی در کافی، نعمانی در الغیبه، علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران نیز نقل کرده اند.

8 . هنگامی که جابر بن عبدالله چگونگی رنگ صحیفه ای را که نزد فاطمه (سلام الله علیها) بود، برای امام باقر (علیه السلام) توصیف می کرد گفت: و رأيتُ في يدها لوحاً اخضر ظننتُ أنه من زُمُرْد.

فیض کاشانی در کتاب شافی پس از نقل حدیث لوح، در تعریف کلمه اخضر می گوید:

لوح اخضر از عالم ملکوت برزخی رسیده بود و سبز بودن رنگ لوح کنایه از سفید و روشن بودن نور عالم جبروت و آمیخته شدن به رنگ سیاه عالم ماده یا عالم شهادت است، اما نوشته های این لوح، سفید است، زیرا این نوشته ها از عالم اعلی که نور محض است فرستاده شده بود. (9)

9 . در آغاز حدیث لوح وجود شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) توصیف به حجاب شده است:

«هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نُورِهِ وَ سَفِيرِهِ وَ حِجَابِهِ ...»

علامه مجلسی درباره حجاب بودن پیامبر (صلی الله علیه واله) توضیحی دارد:

کلمه و وصف «حجاب» از این جهت بر رسول الله (صلی الله علیه واله) اطلاق شده است که آن حضرت واسطه بین خداوند و خلق بوده است، یا به این اعتبار که رسول الله (صلی الله علیه واله) دارای دو مقام و وجهه بود:

مقامی نزد خداوند و مقامی نزد مردم. (10)

10 . در متن حدیث لوح آمده است:

فَمَنْ رَجَا «غَيْرَ فَضْلِي» او خَافَ غَيْرَ عَذَابِي عَذَاباً لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ. از عبارت غیر فضلی دو مطلب

متفاوت قابل برداشت است. اوّل: به فضل کسی جز خدا امیدوار بودن؛

دوم: به جز فضل خدا به دیگر صفات الهی امیدوار بودن.

از ظاهر لفظ چنین بر می آید که برداشت اوّل صحیح باشد که در آن صورت نتیجه امید به فضل دیگران، باعث عذاب الهی و نافرجامی و ناکامی در تحقق اهداف عالی زندگی است. اما بیانی از علامه مجلسی نقل شده است که مطلب دوم را صحیح می داند. از بیان او چنین استنباط می شود که پاداشی که خداوند به انسان می دهد دو نوع است: اوّل ثوابی که نتیجه عمل آدمی است؛ دوم پاداشی که ارتباط به عمل آدمی ندارد و ناشی از فضل الهی است. ثوابی را که ناشی از فضل الهی است، نمی توان حتی یک دهم مکافات عمل خود خواند و اگر معیار ثواب و عقاب الهی را فقط عمل آدمی فرض کنیم، استحقاق هیچ گونه پاداشی که نتیجه فضل خدا بر او باشد، موجود نیست بلکه اگر پاداشی هست همان است که برای اعمال خود ستانده است. پس باید پذیرفت که بخش زیادی از پاداش الهی بر بندگان، از منبع پر فیض فضل الهی است هر چند خداوند ضرورتاً مطابق وعده و وعیدی که به بندگان داده آنها را ثواب و عقاب می دهد، مع الوصف باید پذیرفت وعده ها و وعیده‌های او نیز برخاسته از فضل اوست. با این توضیح، هر چند از ظاهر لفظ حدیث چنین بر می آید که منظور، امیدوار شدن به فضل کسی جز خداوند سبحان است، اما باید دانست که امیدوار شدن به فضل دیگران جز فضل خدا، مستحق عذاب و عقاب نیست، اگر چه از ظاهر الفاظ حدیث چنین برداشت شود.

اما اینکه فرمود «او خاف غیر عدلی»، مؤید مطلب پیشین است و از آن چنین استنباط می گردد که خوف بندگان از خداوند در واقع خوف از عدل الهی است و براساس عدل او مجازات طبیعی - که نتیجه عمل انسان است - بر انسان سنگین خواهد بود و اگر خداوند به عدل خود اعمال بندگان را محاسبه نماید، کار بر آنان بسیار سخت و تنگ خواهد آمد، لذا شایسته است بیشترین و بلکه تمام هراس آدمی از عدل خداوند باشد و به فضل او امیدوار گردد.

11. در متن حدیث و در توصیف حسین بن علی (علیه السلام) آمده است: «... جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ»، طبق روایتی که از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) رسیده منظور از کلمه تامة، امامت است. (11)
قرآن، تولد شگفت انگیز عیسی (علیه السلام) از مریم (سلام الله علیها) را به فرمان الهی نسبت می دهد و در توصیف عیسی (علیه السلام) می فرماید: «مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ» (12)
و در جای دیگر فرمود: «...إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَوُجِّعَ مِنْهُ...» (13)
و درباره حضرت ابراهیم (علیه السلام) می فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ». (14)
در توضیح این آیه صاحب مجمع البحرین (15) حدیثی نقل می کند که در آن منظور از کلمه باقیه، امامت و منظور از عقبه، نسل و فرزندان حسین بن علی (علیه السلام) دانسته شده است؛ این امامت تا قیامت ادامه دارد و کسی حق اعتراض نخواهد داشت که چرا امامت در نسل حسین بن علی (علیه السلام) نهاده شده نه نسل حسن بن علی (علیه السلام)، زیرا خداوند در انجام افعالش حکیم است:

«لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ.» (16)

کلمه تامة یعنی «تمام و کمال از هر چیزی» و عبارت جَعَلْتُ کَلِمَتِي التَّامَّةَ فِي عَقِبِهِ، یعنی: «امامت را به طور تمام و کمال در نسل حسین بن علی (علیه السلام) قرار دادم.»

12. منظور از ذوالقرنین در عبارت: يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ذَوَالْقَرْنَيْنِ به احتمال زیاد، کورش کبیر است. و منظور از سرزمین، سرزمین ایران (طوس) است.

البته در اینگونه مقایسه های تاریخی و بویژه درباره قصص قرآن، با قاطعیت نمی توان تعیین مصداق کرد اما چنانچه ملاحظه می شود... نظریه ای که مراد از ذوالقرنین قرآن، کورش کبیر باشد، نظریه ای معقول و محتمل الصدق است. (17)

6 - حدیث لوح از طرق مختلف و با اندک اختلاف در بعضی الفاظ، در جوامع و مجامع حدیث نقل شده است، نگارنده در انتخاب طریق، سندی را که شیخ صدوق تا امام صادق (علیه السلام) ثبت نموده، انتخاب کرده و آن چنین است:

قال: حدثنا ابي و محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن عليّ ماجيلويه و احمد بن علي بن ابراهيم والحسن بن ابراهيم بن ناتانه و احمد بن زياد الهمداني - رضى الله عنهم - قالوا: حدثنا علي بن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبدالرحمن بن سالم، عن ابي بصير، عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال: قال ابي لجابر بن عبدالله الانصاري: ...

پی نوشت :

- 1 . کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ص 308 - 313؛ همان، تصحیح: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ص 290 - 297 و نیز نک: الکافی، چاپ تهران، ج 1، ص 527، ح 3 و ص 532، ح 9؛ من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، ج 4، ص 180، ح 5408
- 2 . از کتب اربعه بنگرید به المعجم المفهرس لاحادیث الکتب الاربعه، ذیل ماده های: فالجامعة، الصحيفة، مصحف، کتاب علی، لوح؛ و نیز برنامه های رایانه ای.
- برای نمونه از ماده "کتاب علی"، نک: الکافی، چاپ تهران، ج 1، ص 41، ح 1 و ج 2، ص 136، ح 22 و ج 3، ص 175، ح 6 و ج 4، ص 340، ح 7 و ج 5، ص 135، ح 5 و ج 6، ص 202، ح 1 و ج 7، ص 40، ح 1 و ج 2؛ من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ج 2، ص 338، ح 2614 و ج 3، ص 329، ح 4176 و ج 4، ص 74، ح 5148؛ تهذیب الاحکام، تصحیح: سید حسن موسوی خراسان، بیروت، دارصعب - دارالتعارف، ج 1، ص 227، ح 38 و ج 2، ص 383، ح 250؛ الاستبصار، تصحیح: محمد جعفر شمس الدین، بیروت، دارالتعارف، ج 1، ص 472، ح 7 و ج 2، ص 203، ح 3 و ج 3، ص 108، ح 5 و ج 4، ص 59، ح 3 و 5؛ برنامه رایانه ای کتب اربعه (نور)، عبارت "کتاب علی" را در یکصدوسی مورد نشان می دهد.
- 3 . درباره صحیفه امیرمؤمنان (علیه السلام) در منابع اهل سنت، بنگرید به: فصلنامه علوم حدیث، ش 3، بهار 76، ص 41، مقاله: صحیفه امیرمؤمنان (علیه السلام) و نیز نک: سنن ابن ماجه، کتاب الدیات، شماره 2658
- 4 . اصول کافی، ج 1، ص 241
- 5 . برای کسب اطلاع بیشتر از نام و محتوا و کیفیت نگارش نخستین صحیفه های حدیثی در زمان پیامبر (صلی الله علیه واله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مقاله تاریخ تدوین حدیث، نوشته استاد علی اکبر غفاری در پایان کتاب تلخیص مقباس الهدایة، مراجعه شود.
- 6 . اصول کافی، دار التعارف، ج 1، ص 295
- 7 . نحل، آیه 25
- 8 . مائده، آیه 3

- 9 . به نقل از پاورقی کتاب الغيبة، نعمانی، ص62
- 10 . بحارالانوار، ج36، ص198
- 11 . نک: مقدمه تفسیر مرآة الانوار.
- 12 . آل عمران، آیه 39
- 13 . نساء، آیه 171
- 14 . زخرف، آیه 28
- 15 . مجمع البحرين، ج6، ص155
- 16 . انبیاء، 23
- 17 . فصلنامه بیّنات، ش14، ص105 - 109